

در نماز است

عجله

دستمالا میزند بکنند در نماز هرگاه ما خود در نماز هستیم هیچ صوتی
 را نشنود در قرائت خود بخواند بصدق فریب مطلقه بصدق خربت و اگر تمام نکرده که امام
 بر کوع رود او هم بر کوع برود و اگر نیز اموش کرد هر جا که بخاطرش آید بخواند هر چه میسرند و اگر
 در بین خواندن یکجا ای صوت امام را بشنود بخواند ضرر ندارد و اگر عدا هم باشد بخواند
 ندادد و اگر بشنود صوت امام را گوش کند و اگر اخفاقی باشد ذکر می گوید و اول سجده
 الله گفتن امر و قرائت خواندن مکروه است **سُئِلَ مَنْ أَنْزَلَ رَأْفَةَ رَأْفَتِهِ** قطع کرد و در بعضی
 را جماعت افتد اگر در هرگاه شخص فریضه را فرادی کرد میتواند باز مستحب جماعت افتد کند
 بشرط آنکه قضاء پیشی بر ذمه نداشته باشد **سُئِلَ مَا مَوْزِعٌ رِكَتٍ أَوْ لِسْمِ حِجَابٍ**
 دانست که بر کوع میرسد که امام راست شد خود بر کوع رود و در سجده با امام برسند اگر چه سجده
 دویم باشد و هم چنین است در رکعت اول اگر در حال قیام امام تکبیر بگوید و او طرد این
 صوت بصدق فرادی است یا بعد از انعام اعاده است **سُئِلَ** اگر پیش از امام سهواً سلام
 واجب گفت اخوط اینست که بعد از انعام نیز بگوید و در سجده سهواً نیزه الی الله یا اورد
 و اگر عدا گفت بصدق افراد احتیاطاً نماز را اعاده کند **سُئِلَ** هرگاه در مسجد وارد
 شوی که یک نام را بکنی زدن متعدد و در نماز باشند یا فارغ شده باشند و در عقب
 باشند و بخواهی فرادی نماز کنی و نماز تو مطابق باشد با نماز ایشان و بوقضاء
 بلکه مخالف هم باشد چه در بایستی و چه نزدیک که یک مجلس باشد هر چه پیش بایستی ایشان
 چه عقب چه با بعد جانین ایشان از آن واقعه مکه که جایز نیست اگر چه امام جماعت را هم
 شناسه **سُئِلَ** شخصی که نماز پیش از بر ذمه داشته باشد نماز مستحبی را ترک کند بنا بر حوط
 و اگر در نماز واجب باشد خواسته باشد عدول مستحبی کند که در رکعت جماعت کند نمیتواند
 بنا بر احتیاط بلی عدول بقضاء میتواند کرد که زود در رکعت جماعت کند **سُئِلَ** شک میان
 امام و ما موا اعتبارند از در مکرانکه ما موم شک بخودی خود کند مثل آنکه شک کند که
 من یک سجده کرده ام یا دو سجده اعتبار از از یک سجده دیگر یا او زد و هم چنین در هر مو
 از نماز حتی رکعات **سُئِلَ** امام در رکعت سیم مثلاً حمد بخواند و ما موم

و لوقته
بوزمه را شنود

صه
اخوط است که
همین که صوت
امام را شنید
فم الجمله ترک کند
قرائت را بالمرة

میرزا تقی
میرزا علی
میرزا محمد
میرزا حسن
میرزا احمد
میرزا ابوالحسن
میرزا ابوالقاسم
میرزا ابوالفضل
میرزا ابوالکلام
میرزا ابوالمنعم
میرزا ابوالمنیر
میرزا ابوالوفاء
میرزا ابوالوفا
میرزا ابوالوفا
میرزا ابوالوفا
میرزا ابوالوفا
میرزا ابوالوفا

در عدل بقضای
در غیر صورت
شیان اشکال
میرزا
رکعت

در نماز است

الحمد لله الذي جعلنا من عباده
مؤمنين فله الحمد والثناء
والصلاة والسلام على من لا
نبي بعده

رکعت دومیش باشد باید او هم حمد و سوره بخواند با قدرت و اگر درست نتواند بخواند بدل به
بیاورد یا تکرار کند یا ذکر بخواند بقاعده که هست داخل خود مسئلت ما مؤمن از سجده بزرگ
دید امام در سجده است متابعت کرد بعد معلوم شد که سجده دو تیم امام بوده سجده دیگر
جا آورد و بعد از اتمام احتیاطا نماز را عاده کند مسئلت ما مؤمنش تکبیر افتش
از تکبیر الا حرام امام میتواند گفت مسئلت هرگاه شخص وارد بر جماعت بوسیله شود و نداند
که چه نماز است قضاء است یا از جمعه است یا اخفای است اقتدا کند ضرر ندارد مسئلت
هرگاه شخص نماز مغرب یا عشاء اقتدا کرد و در قیام شک کرد که این رکعت سیم است یا چهارم
صبر کند تا امام بر کوع برود و سجده بنی بجای بیاورد که معلوم شود ضرر ندارد و مسئلت
نماز ایات هر یک بدیگری اقتدا میشوند کرد و اگر در نیت که امام اعلام کند ما مؤمن را
که چه نماز است و اما اگر بر کوع اول نرسید در رکعت نکرده صبر کند تا رکعت دیگر
هرگاه امام بعض سوره بناز است فراموش کرده بخواند بر کوع رفت ما مؤمن قصد فرادی کند
و حمد و سوره بخواند و اما بعد از کوع پنجم سمع الله و تکبیر مستحب است هر نمازی که
فوری است مثل زلزله یا زام العرف فور تلبس باقی است و لهذا از است و از برای صحت
بجای آوردن نماز و نیت فریته کفایت میکند مسئلت شخص در ذکر کوع است شک
میکند که امام رکوع بود رسید یا نه اعتبار ندارد شکش و با جماعت است مسئلت
حایل از برای اهل جماعت میان مردان و زنان ضرر ندارد مسئلت شخص غار است
مؤمنی بدهد فاسو میشود اما اگر بویه کند باز غار است مسئلت ما مؤمن پیش از امام
تکبیر گفت بعد طهقت شد یا عدول بفرادی کند یا عدول مستحبی کند اگر قضاء بوده
خود نمیداند و قطع کند و تکبیر الا حرام را بعد از امام بگوید و الا نمازش باطل است
مسئلت نماز جماعت مستحب مؤکد است در جمیع نمازهای واجب خصوص نماز یومیه و جماعت
در هیچ نمازی واجب نیست مگر در نماز جمع و عیدین یا شرايط و کسی که فرانس صحیح نیست
با قدرت یا در گرفتن آن مسئلت باکی نیست جماعت کردن نمازهایی که بحسب اصل شرع واجب
بوده باشد و بعد مستحب شده مثل نماز عیدین در این زمان و نماز واجب که قضا کرده شود

سه
گفتند اینکله
منی بر احتیاط
است بریل
سه
انفعا و توبه و
بینه و غیره
که در وقت
بسیار است
و نماز و غیره
مستحب است
کما قالوا
منقول است
و غیره

در نماز جماعت

و غیر بر وجه تبرع یا نماز واجب که فرادی کرده باشد و شخص مستحباً بجماعت خواهد عاده کند
 عمل نماز بومی هر یک را بدین یکی افتد میتوان کرد و فضا را با او عکس آن قصر را با تمام و عکس آن
 بلکه نماز طواف بومی و عکس آن بجماعت میتوان کرد اما نماز مسجدی بجماعت نمیشود و اگر نماز
 طلب نماز آن مسلمان نماز مسجدی که بنذر واجب شده باشد و نماز احتیاط در شک را نمیشود بجماعت
 کرد بنا بر احتیاط و اگر امام و مأموم شریک باشند در شک در عذر رکعتی نماز احتیاطی اشک
 را بجماعت نمیشود و اگر در مسلمان بدو نفر مکلف بجماعت منعقد میشود و زن بمرورن میتواند افتد
 کند و مرد بزن افتد نمیتواند کرد مسلمان هر گاه امام در رکوع ذکر رکوع را کرده باشد که مأموم
 برسد خوبست و اگر در رکوع با امام نرسد یا شک یا مظنه دارد که رسیده نمازش باطل است بلکه
 در شک احتیاطاً متابعت کند و رکعت دیگر ضبط عمل آورد و تکبیر نکند و مظنه هم چنین است مگر
 آنکه مظنن شود که در حال رکوع امام رسیده است بر رکوع مسلمان اگر شک داشته باشد بر رکوع
 رسیده را با بیفصد تکبیر نکند که اگر نرسید یا قصد فرادی کند یا در بینام ضعیف میکند تا امام رسیده
 یا رغبت بر خیزد و رکعت اول خود قرار میدهد خوبست مسلمان باید صف اول مأمومین امام را
 بربینند و اگر مأمومین حایل باشند ضرر ندارد و صفها بعد باید صف پیش خود را بربینند بنا
 بر احتیاط و اگر همان صف پیش خود را بربینند کفایت نمیکند بنا بر احتیاط و باید در هر حال که از
 امام را بربینند مگر زن که امام مرد باشد حایل ضرر ندارد مسلمان اگر حایل بجزیره باشد که در
 شود ضرر ندارد و اما اگر شیشه باشد احتیاطاً مسلمان اگر در بین نماز حایل ببرد و
 فاند نماز بجماعت باطلست و اگر بگذرد مثل حیوانی یا آدمی ضرر ندارد مسلمان باید جای ایستادن
 امام زیاده از شبر معارف بلند نماز جای مأمومین باشد علی الاحوط و اما سر شیب تند و بجا که
 نیست بلند نبودن جای مأمومین از جای امام ضرر ندارد مسلمان جایز نیست بجماعت بدور
 بودن مأموم از امام یا از مأمومین افتد که دور بسیار باشد لکن احوط اینست که از جای ایستادن
 امام تا جای سجده مأمومین از یک ذرع شاه تمیماً فاصله نباشد و همچنین بین صفوف مأمومین
 و اگر در بین نماز فاصله حاصل شود زیاده از شبر مذکور فضا فرادی کند بنا بر احتیاط مسلمان
 وقتیکه فرادی شد دیگر عدول بجماعت نمیتواند کرد مسلمان جایز نیست که مأموم پیشتر از امام بایستد

صلوة جهره را
 با خفایت و عکس
 آن نیز جایز است
 میرزا
 اگر چه لوطین است
 در این بین
 ترك است
 میرزا
 نیز غایت تمام
 کند و عاده نیز
 نماید میرزا
 با بیغیبه که اگر
 نخواهد بلند
 میرزا
 از نظر ظاهر فایده ندارد و از اعتبار
 حاکم عادی و غیره
 حاد و نور که در
 و امید از بیاید
 بل

احوط ص ۱۰۰

کجا امانت

کجا امانت

در نماز اگر کسی را...

در اکتفا مظنه
در حضور و غیره
شکال امانت
میرزا
خواندن سوره
رکعت اول

در نماز اگر کسی را...

بلی در هر حالت نماز و در هر وقت نماز امانت با اینست که در سجده هم کفایت میکند
 شخص در جماعت اگر قصد اقامت نکند و سوره بخواند یا سکون طویل یا اطل امانت نمازش
 اگر شرطان نماز هم بجماعت کردن نباشد مثل یومیه سئل باید شخص عازل واحد اقامت اگر
 فاسد یا ندانند یا سدا و را اقامت کند که کار و نمازش باطل است سئل اگر غم حاصل کند که
 امام خالی دارد که گناه کبیره را میکند و ضرر بر صغیره ندارد یا بحسن ظاهرش مظنه حاصل میکند که
 خالی در امانت که منع میکند و از ترک شدن گناه کبیره و بی اعتنائی در زمین ندارد یا آنکه
 در عذر خیر مجال او بدهند و مظنه حاصل کنی یا جمعی معتبرین در زمین اقامت کنند با او مظنه با علم
 حاصل کنی بعد اقامت اقامت کن سئل اگر اقامت با قام حاضر کردی که عازل میدانی و بعد معلوم
 شد که آنکه منظور تو بوده غیر امانت امانت امانت نماز صحیح است و اگر شخص معتبر با اقامت
 کردی بجان آنکه حاضر است بعد معلوم شد که غیر امانت اگر چه او را هم عازل بدانی نماز باطل است
 اگر چه در زمین نماز هم یا بی سئل اگر در زمین نماز عذر داری برای اقامت هم در سدا موقوف باقی نماز
 عدول با امام دیگر میتواند کرد بنا بر اوقای سئل جایز است از برای قاصد و حال اختیار عدول
 بفرادی کند اگر چه در اول هم قصدش باشد که در رکعت آخر عدول بفرادی کند سئل از
 ما مؤمنین ساخط امانت حمد و سوره در رکعت اول و در غیر خصوص در صلوة جمعه که صوت امام زامه
 شنوند بلی اگر شنوند اصلا به نیت مرتب مطلق بخوانند حمد و سوره را و اگر نخوانند هم ضرر ندارد
 و اگر صلوة اخفای باشد مستحب است مذکری مشغول شوند مثل سبحان الله والحمد لله و صلوات
 و اولی سبحان است سئل اگر امام در قنوت باشد که ما مؤمنین بگوید مستحب است متابعت کند به
 خواندن قنوت لکن نه بقصد جزئیت و هم چنین در وقتش هم متابعت کند اما نشستن بتجافی احوط است
 و در رکعت دوم خود شتر است و اخفات کند اگر چه صلوة جمعه هم باشد و در رکعت آخر امام
 اختیار دارد و میخواهد متابعت کند قاسدا واجب عملی است و اگر میخواهد سزا سجده که بر او است
 برخیزد و نمازش را تمام کند سئل با این نیت عملی بقدر افعال نماز خود را بوافعال نماز تمام
 چنانچه جایز نیست تاخیر افعال بنا بر خود را از افعال نماز امام عمدا متاخر فرقی است و اگر عمل چنین
 کرد که کما امانت و نماز جماعت کردن او صحیح است و احوط نیست نظر امانت و احوط ازان اعاده نماز

امانت اگر

در جماعت

است و اگر سهواً چنین کند مثلاً آنکه پیش از امام بر کوع رود مثلاً اگر همان باشد تکرار می‌شود و اگر واجب
 رکوع را بگوید و الا لیک سبحان الله بگوید احتیاطاً است شورو با امام رکوع رود و ذکر واجب
 رکوع را بگوید نمازش صحیح است هر چند احوط اعاده نماز است و صوتی که پیش از امام از رکوع سهواً
 زامت شد و متانفت کرد و هرگاه تارفت بر کرد و متانفت کند امام با و رسید ضرر ندارد و اما
 اگر بعد از آنکه متانفت نکند گناه کار است و افوی صحت و اعاده نماز است و اگر تارفت بر کرد
 امام با و رسید ضرر ندارد و بهمان حال باشد مسلمت متانفت در احوال و واجب نیست مگر آنکه
 بشود صوتاً امام را که احتیاط متانفت کرد است و اما اگر سهواً چیزی از تشهد پیش افتاد همان
 زانصد قربت اعاده کند مسلمت واجبست تکبیره اگر امام بعد از امام بگوید و همچنین سلام
 واجباً هرگاه سلام زان بعد پیش از امام بگوید احتیاطاً اعاده نماز را کند مگر آنکه قصد فراموشی
 کند و اگر سهواً پیش بگوید احتیاطاً بعد از امام باز بگوید و در سجده سهو بی نیت قربت
 بجا آورند مسلمت هرگاه امام بعضی از حروف قرأت را در دست خواندن نداشته
 باشد و ما موم در دست خواندند نکند اما حروف غیر قرأت اگر چنین باشد ما موافقت
 کند ضرر ندارد مسلمت ما موافقت نماید پس از بعد از سهواً می‌تواند زیاده از یک کسبه هر چه
 ممکن است بخواند یعنی که بر کوع برسد بنا بر احتیاط مسلمت اگر بعد از نماز معلوم شود که
 امام فاسق یا کافر یا بی طهارت بود مثلاً نماز کند و صحیح است و اگر در بین نماز بفهمد
 انفراد کند و نماز تمام کند مسلمت هرگاه عالم باشد نجاست غیر معفو و دیدن یا لباس
 در صوتی که میداند که امام جاهل بان است اکتفا نکند بنا بر احتیاط و در صورتی که سینان کرده
 باشد امام بطریق اولی اکتفا نکند مسلمت اگر مثلاً امام شیخاً اربعه را یک کسبه بخواند ما مو
 باید سهواً بخواند اکتفا نکند که مشکست مسلمت جایز است اکتفا کردن با امامی که منیم
 است یا صاحب خیره یا صاحب فرج یا جروح باشد مسلمت ما موافقتی با امام نشسته
 نمیتواند اکتفا کند و همچنین اعلا بادی هرگز است مسلمت هرگاه امام چیزی از نماز سهواً
 کرد و غتبه نشد قصد فراموشی کردن ما موافقت در صوتی که دکن نباشد و الا قصد
 فراموشی لازم است مسلمت هرگاه شخص جماعت نماز کرد و وضو برده خود نمیداند میتواند

سه
 من بقا و اکتفا
 با تقدم عمل
 و آخر فاضل است
 و احوط انفراد
 چنانچه مذکور است
 در متن
 سه
 اخضا و شسته
 نذر بیکه از هر
 که علم با قول امام
 داشته باشد
 احوط است
 اکتفا
 سه
 خواندن بعد
 نیت می‌شود
 سه
 خواندن بعد
 نیت می‌شود

امامت

امامت کند برای کسانی که نماز نکرده اند **مسئله** مستحب است که صفها جماعت و امت باشند
 مجازی بودن کفهای یا موئین و طولانی تر بودن صف بعد که متصل باشد نصف پیش سر نداد
مسئله مستحب است که تا امام قدامت الصلوة گفت ما موئین برخیزند و اهل فضل زاد و صف
 اول جای دهند **مسئله** مکروه است نه انبیا در صوتی که متبا صف خالی باشد بلکه میباید
 در امکان که خالی میباشد بایستد و مکروه است مشغول نماند شدن و وقتی که امام قدامت
 الصلوة گفت و شنوایند با امام از کار خود را و مستحب است که امام بشنوند با موئین از کار خود
 و افضل در احکام مسافر است **مسئله** مسافر باید قصد طی کردن هشت فرسخ متصل داشته
 باشد یا چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن در یک روز یا در یک شب یا بضمی که شی فاصله شود
 هرگاه در بین چهار فرسخ شی فاصله شود احتیاط جمع امت مگر آنکه قصد ماندن ده روز کنند پس
 تمام معین است **مسئله** اما حد فرسخ سه میل است هر میلی چهار ذراع است و هر ذراع بی کفچه
 بیست و چهار انگشت و هر انگشت بی کفچه هفت جو و هر جو بی کفچه هفت مو از موها وسط از پایوست
 هرگاه چیزی از این مسافت کمتر باشد یا شک یا مظنه در مسافت باشد نماز تمام است بل در صورت
 مظنه احوط جمع است را که ممکن شود تحصیل علم بدون خروج احوط و جوب تحصیل است **مسئله**
 اگر در راه و راه بفهمد که مسافت هشت گریه باقی مانده راه بقدر مسافت نباشد بفرزند
 ابتدای مسافت از بلد ها کونک یا متوسط از قلعه است و اگر قلعه ندارد از آخر خانه است و بلد ها
 بزرگ اگر محله است **مسئله** اگر قصد مسافت در رفتن باشد و چند روز طول بکشد طی کردن
 مسافت را ضرر ندارد مگر بجهت تفریح باشد مثلا در روزها نسیا طی کند مسافت را در این
 صوت احوط جمع است **مسئله** اگر کمتر از چهار فرسخ در یک روز مکرر آمد شد کند و زیاده از هشت
 فرسخ هم بشود مسافر نیست **مسئله** اگر راه رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و برگشتن از راه دیگر
 زیاده از چهار فرسخ برگردد اگر چه برگشتن هفت فرسخ هم باشد سفر نیست احوط جمع است
مسئله هرگاه در بین مسافت مرده شد در رفتن باز قصدش برگشتن شد اگر در حال تردد
 چیزی از راه نرفته مسافر است مگر آنکه کند و اگر مسافت طی کرده اما غیر از این آنچه آمده و آنچه
 برود بقدر مسافت هفت نماز را شکسته کند و احوط جمع است هرگاه باقی مانده بقدر مسافت

کلام و غیره که در این کتاب مذکور است
 خاصه در این باب و در این باب که در این کتاب مذکور است
 در این باب که در این کتاب مذکور است
 در این باب که در این کتاب مذکور است
 در این باب که در این کتاب مذکور است

در احکام مسافرت

نباشد هرگاه باشد شکسته کند مسکن هرگاه شخص در بین مسافت قصد ماندن در روز
 کند یا بوطن برسد تمام کند و هم چنین اگر در روزی باشد تا بیرون تمام شود تمام کند مسئله
 هرگاه مابین دو وطن مسافت فرسخ کمتر باشد تمام کند بی اگر چهار فرسخ باشد یا زیاده که کمتر از
 مسافت فرسخ باشد اولی جمع است ثانیاً با مسئله مراد بوطن جای است که شخص قرار گرفته باشد
 قصد همیشه ماندن و انقدر بماند که عرفاً صدق کند بطن او و شرط نیست شش ماه ماندن
 اگر چه احوط است ملک داشتن و متحد بودن وطن شرط نیست مسئله هرگاه قطع وطن کند
 و برون چون مراجعت کند اگر ملکی نماند شکسته کند نماز را و اگر ملکی از احوط جمع است
 هرگاه شش ماه مانده باشد و اگر جای ملکی دارد و قصد وطن و همیشه ماندن ندارد شکسته
 میکند اما اگر شش ماه مانده باشد احوط جمع است مسئله هرگاه مسافر در بلد واحد علم
 بده روز ماندن ندارد یا قصد ده روز ماندن کند که از ترخص هم بیرون نرود و در وطن
 و شک هم نباشد نماز را تمام کند و اگر يك نماز تمام کرده باشد ضعیفی شد که باید
 برو تا اینجا است تمام کند اگر چه از ده روز هم بگذرد و هر وقت که رفت شکسته کند مسئله
 ولایت کاظمین و بغداد دو بلد است و بجز مسجد کوفه هم دو بلد است اما باید قصد ماندن
 ده روز در يك بلد داشته باشد مسئله اما بلد ها بزرگ که خارج عادت است قصد فائده
 در يك محله آن باید داشت و غیر از قسم مذکور نماز شکسته است مسئله هرگاه شخص دو بلد
 اقامت پیش از ده روز یا بعد از ده روز از حد ترخص بیرون رود اگر بزرگتر از قصد ده روز
 ماندن تازه دارد نمازش تمام است و الا جمع است احتیاطاً بقصد قربت و تقدیر هر
 يك ضرر ندارد و اما اگر بعد از آمدن و شد بسیار قصد ده روز ماندن دارد تمام کند
 و در رفتن و مقصد بزرگتر از حد ترخص فرقی ندارد مسئله اگر از ترخص بیرون میرود تا هفت
 فرسخ مشکوک و قصد ده روز ماندن دارد در اینجا تمام میکنند و در راه اولی جمع است و اگر
 مسافت فرسخ میزد شکسته کند مسئله خارج شدن از حد ترخص مراد این است که صد
 و نبلند یا بلند متوسط مثل کربلا و بجز در اینجا نرسد و بسیار فاضلی صدای از آن خاک
 بلند با آن نرسد و مشکل دیوار خانه های خوب بلند دیده شود اما بچشم و گوش و صداهای

از احوط است که در این مسافت اگر چه در روزی باشد تا بیرون تمام شود تمام کند مسئله
 هرگاه مابین دو وطن مسافت فرسخ کمتر باشد تمام کند بی اگر چهار فرسخ باشد یا زیاده که کمتر از
 مسافت فرسخ باشد اولی جمع است ثانیاً با مسئله مراد بوطن جای است که شخص قرار گرفته باشد
 قصد همیشه ماندن و انقدر بماند که عرفاً صدق کند بطن او و شرط نیست شش ماه ماندن
 اگر چه احوط است ملک داشتن و متحد بودن وطن شرط نیست مسئله هرگاه قطع وطن کند
 و برون چون مراجعت کند اگر ملکی نماند شکسته کند نماز را و اگر ملکی از احوط جمع است
 هرگاه شش ماه مانده باشد و اگر جای ملکی دارد و قصد وطن و همیشه ماندن ندارد شکسته
 میکند اما اگر شش ماه مانده باشد احوط جمع است مسئله هرگاه مسافر در بلد واحد علم
 بده روز ماندن ندارد یا قصد ده روز ماندن کند که از ترخص هم بیرون نرود و در وطن
 و شک هم نباشد نماز را تمام کند و اگر يك نماز تمام کرده باشد ضعیفی شد که باید
 برو تا اینجا است تمام کند اگر چه از ده روز هم بگذرد و هر وقت که رفت شکسته کند مسئله
 ولایت کاظمین و بغداد دو بلد است و بجز مسجد کوفه هم دو بلد است اما باید قصد ماندن
 ده روز در يك بلد داشته باشد مسئله اما بلد ها بزرگ که خارج عادت است قصد فائده
 در يك محله آن باید داشت و غیر از قسم مذکور نماز شکسته است مسئله هرگاه شخص دو بلد
 اقامت پیش از ده روز یا بعد از ده روز از حد ترخص بیرون رود اگر بزرگتر از قصد ده روز
 ماندن تازه دارد نمازش تمام است و الا جمع است احتیاطاً بقصد قربت و تقدیر هر
 يك ضرر ندارد و اما اگر بعد از آمدن و شد بسیار قصد ده روز ماندن دارد تمام کند
 و در رفتن و مقصد بزرگتر از حد ترخص فرقی ندارد مسئله اگر از ترخص بیرون میرود تا هفت
 فرسخ مشکوک و قصد ده روز ماندن دارد در اینجا تمام میکنند و در راه اولی جمع است و اگر
 مسافت فرسخ میزد شکسته کند مسئله خارج شدن از حد ترخص مراد این است که صد
 و نبلند یا بلند متوسط مثل کربلا و بجز در اینجا نرسد و بسیار فاضلی صدای از آن خاک
 بلند با آن نرسد و مشکل دیوار خانه های خوب بلند دیده شود اما بچشم و گوش و صداهای

احکام مسافر است

معتدل و احوط اعتبار هیزد و است مسکن بلد کما عینه اعتبار ترقص آن بمسافر مسافر
 است اعتبار قصر یا اتمام داخل شدن یا خارج شدن حد برخص است و بعد از ماندن
 در نزد بی روزه حکم اقامه عشر است مسکن هرگاه شخص بقصد سفر از حد برخص بیرون
 رفت و منظر و ضا است اگر مطمئن است با مدنی و غنا و رفتن سفر نماز را سکن کند و اما
 هرگاه سفرش موقوف است با مدنی و رفیق و مطمئن نیست با مدنی و بیانش و بیانش شرعی فریضه
 تمام کند و احوط جمع است اگر چنانچه فرسخ رسید است و همچنین تمام کند اگر قصدش برگشتن
 از سفر با پردشد پیش از رسیدن چنانچه فرسخ و الا تا پیش از رسیدن هیزد فرسخ تمام
 کند و احوط جمع است مسکن هرگاه شخص مثلاً عقب کرخیزه برود هیچ وقت قصد بنگا
 مسافت نداشته باشد نه در رفتن و نه در مراجعت هر چه راه را طی کند نمازش تمام
 است در رفتن و برگشتن و اگر در برگشتن قصد مسافت دارد قصر میکند مسکن هرگاه
 شخص سفرش سفر معصیت باشد مثل صید کردن یا ظلم کردن یا قطع طریق کردن یا
 اعانت ظالم یا جهت طاعت ظالم سفر کردن و غیره تمام است نمازش مسکن نماز را
 تمام کند ذایم السفر بشرط آنکه ده روز در وطن نماند یا در غیر وطن بقصد اقامه ده روز
 نماند یا ده روز بی قصد اقامه بعد از نود و بی روز در غیر بلد نماند و الا نمازش قصرند
 در سفر اولش و سفر دومش احوط جمع است و سفر سیمش تمام بشرط آنکه باز قصدش برگشتن
 سفر باشد و صوم در هر حالی تابع نماز است در قصر و اتمام مسکن مسافر در مسجد الحرام و مسجد
 رسول و حایر جناب سید الشهداء و مسجد کوفه بخیر است میان قصر و اتمام بی احوط قصر است و افضل
 تمام است روزه نگیرد مسکن اگر شخص نداند که در سفر باید نماز را شکسته کرد و یا این جهت
 در سفر تمام کند صحیح است نمازش بخلاف آنکه بداند در سفر نمازش قصر است و نداند سفر
 چه قدر و چیست و تمام کند باید شکسته عاده یا فضا کند مسکن هرگاه مسافر عاله باشد
 که باید شکسته کند و تمام کند باطل است نمازش مسکن هرگاه فراموش کند سفر خود
 را و تمام کند اگر وقت مسکن عاده کند و اگر وقت گذشته فضا ندارد مسکن هرگاه
 شخص در اول وقت حاضر است نماز نکورد و در آخر وقت مسافر است نماز را شکسته کند

مسکن هرگاه مسافر تمام کند و احوط جمع است اگر چنانچه فرسخ رسید است و همچنین تمام کند اگر قصدش برگشتن از سفر با پردشد پیش از رسیدن چنانچه فرسخ و الا تا پیش از رسیدن هیزد فرسخ تمام کند و احوط جمع است مسکن هرگاه شخص مثلاً عقب کرخیزه برود هیچ وقت قصد بنگا مسافت نداشته باشد نه در رفتن و نه در مراجعت هر چه راه را طی کند نمازش تمام است در رفتن و برگشتن و اگر در برگشتن قصد مسافت دارد قصر میکند مسکن هرگاه شخص سفرش سفر معصیت باشد مثل صید کردن یا ظلم کردن یا قطع طریق کردن یا اعانت ظالم یا جهت طاعت ظالم سفر کردن و غیره تمام است نمازش مسکن نماز را تمام کند ذایم السفر بشرط آنکه ده روز در وطن نماند یا در غیر وطن بقصد اقامه ده روز نماند یا ده روز بی قصد اقامه بعد از نود و بی روز در غیر بلد نماند و الا نمازش قصرند در سفر اولش و سفر دومش احوط جمع است و سفر سیمش تمام بشرط آنکه باز قصدش برگشتن سفر باشد و صوم در هر حالی تابع نماز است در قصر و اتمام مسکن مسافر در مسجد الحرام و مسجد رسول و حایر جناب سید الشهداء و مسجد کوفه بخیر است میان قصر و اتمام بی احوط قصر است و افضل تمام است روزه نگیرد مسکن اگر شخص نداند که در سفر باید نماز را شکسته کرد و یا این جهت در سفر تمام کند صحیح است نمازش بخلاف آنکه بداند در سفر نمازش قصر است و نداند سفر چه قدر و چیست و تمام کند باید شکسته عاده یا فضا کند مسکن هرگاه مسافر عاله باشد که باید شکسته کند و تمام کند باطل است نمازش مسکن هرگاه فراموش کند سفر خود را و تمام کند اگر وقت مسکن عاده کند و اگر وقت گذشته فضا ندارد مسکن هرگاه شخص در اول وقت حاضر است نماز نکورد و در آخر وقت مسافر است نماز را شکسته کند

در شكائت

و قرآنش را خواهد چهر خواند یا اخفات اختیار و از او و اگر سفری باشد یکسره رکعتی بکند یک
 دو رکعتی بصد مافی الذمه **مسئله** هرگاه چند نفر یک نماز میت را اجبر شوند اگر بدانند
 ترتیب ایامی برقیب بکنند و واجب نیست تقدیم قضا خود را بر او و خود لکن اگر بکفنا
 بر ذمه باشد یا قضا او بر او یا قضا او شب بر ذمه باشد و دیگر قضا بر ذمه نباشد یقینا
 احوط مقدم داشتن آنست بر او و **مسئله** ترتیبی غیر قضا و یومیه نیست **مسئله** اجبر
 از برای صوم و صلوة میت باید عادل دانست و **مسئله** نماز قضا بی که برقیب را بپنداند اگر
 چند ظهر مثل این در پی بکند هم چنین چند عصر یا چند مغرب یا چند عشا یا چند صبح ضرر ندارد
 و اگر یک شبانه روز تمام نشد که شبانه روز دیگر شروع کند ضرر ندارد بشرط آنکه ندانند
 تمام هم فوت شده و اگر شبانه روز تمام کند بعد شروع کند شبانه روز دیگر **مسئله**
 و اگر ترتیب ایامی نبیندند و میخوانند نماز ظهر را مثلا مشغول شود مشغول عصر شد عدول نکند
 و اگر بدانند ترتیبی عدول کند بنا بر **مسئله** نماز قضا یعنی بر ذمه شخص باشد احوط
 ترك نماز مستحبی است و مستحبان دیگر را ضرر ندارد بجا آورد **مسئله** هرگاه شخص شك دارد که
 اگر سووره را بخواند نمازش قضا میشود یا نه باید سووره را بخواند **مسئله** هرگاه شخص احتمال می
 دهد که قضا بر ذمه اش هست میتواند که بر نیت قرئت بجا آورد نماز قضا و قرته یعنی رضای
 خدا هست و بجا آوردن این عمل و همچنین هر عبادتی بصد مرتب کفایت میکند و مراد بان در
 همه جا همین است که ذکر شد **مسئله** هرگاه شخص احتمال بدهد عیبی و نقصی در نماز خود شایع
 در نماز غیر و بصد مافی الذمه از برای خود یا از برای غیر که میت باشد نیز بجا آورد و
 مستحب است و همچنین است روزه و واجبات دیگر **مسئله** شخص که نماز قضا دارد باید قصد
 عزم قضا کردن داشته باشد اگر عزم نداشته باشد مفیضت کار است و نماز قضا و یقینا اگر بر
 ذمه دارد اجبر غیر نشود بنا بر این شرط **مسئله** شخص قضا و نماز خود و والدین هر دو بر ذمه
 دارد هر یک مقدم دارد بر غیر است و صل در شکائت **مسئله** شکیان بیست یک قسم است
 پنج قسم آن اعتبار ندارد شك بعد از سلام و شك بعد از وقت و شك بعد از محل و شك کثیر
 الشك و شك هر یک از امام و ماموم با حفظ دیگری و هش صورتان باطل است و در این

ع
 بد ساحت
 ع
 مورد آن الله تعالی
 ع
 خبر طایفه فاضلین
 با واقع معلوم
 بنا شد
 میرزا
 ع
 مرید جابر
 ع
 حد
 این مسئله تفصیلا
 دارد تفصیلا این
 است که امارت
 قضا و نماز است که
 منشاء خوف نماز
 بخواندن سووره
 نامند سووره
 ترك کنند و اگر
 بخواند میرزا
 صله
 بعضی احادیث
 مافی الذمه
 احتیاط
 ع

در شکیات

صوت احوط است که تروی کند اشد که سکون طویل منافی نماز بعد از آنکه اگر پیش از آن
 بخوامش آمد عمل کند اگر چه بطور مظنه هم باشد اول شک در رکعات نماز دو رکعتی واجب
 غیر از نماز احتیاط دو رکعتی است که در رکعات نماز سه رکعتی سیر در نماز چهار رکعتی که پای
 یک دو رکعتی باشد چهار شک در نماز چهار رکعتی که پای دو رکعتی باشد پیش از اتمام سجده پنجم
 شک در میان دو رکعتی شش شک در میان سه رکعتی شش شک در میان چهار رکعتی شش
 آنکه نداند چند رکعت کرده است و هشت صوت دیگر باطل نیست در این هشت صوت مسما
 تروی کائیت بعد از آن اگر عام یا مظنه اش بطرفی رفت عمل شک را بجا آورد و بیفصلی که خوا
 آمد اول شک در میان دو رکعت بعد از اتمام سجده پنجم بعد از فکر بنا و ابرس میکند اری
 تمام میکند بعد از رکعت ایستاده نماز احتیاط کفایت میکند دو رکعت میان دو رکعت
 و چهار بعد از سجده پنجم بنا و بر چه میگذارد و تمام میکند اری و بعد از رکعت ایستاده و دو
 رکعت نشسته یا میاورد و ستر شک میان سه رکعت و چهار بعد از سجده پنجم بنا و بر چه میگذارد
 و تمام میکند و بعد از رکعت ایستاده یا میاورد و ستر شک در میان سه رکعت
 هر جا که باشد بنا و بر چه میگذارد و تمام میکند اری و بعد از رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته
 کفایت میکند اما در رکعت نشسته افضل است مسأله پنجم شک میان چهار رکعت بعد از سجده
 بنا و بر چه میگذارد و تمام میکند اری و تمام میکند بعد و سجده سهو واجب یا میاورد اما در حال تمام
 فرو نشین و بنا و بر چه میگذارد و تمام کن و یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته یا میاورد
 کفایت میکند مسأله ششم شک میان سه رکعت و پنج در حال تمام فرو نشین و بنا و بر چه
 میکند اری و تمام میکند و بعد از رکعت ایستاده یا میاورد و ستر شک میان سه
 رکعت و پنج در حال تمام فرو نشین و بنا و بر چه میگذارد و تمام میکند اری و دو
 رکعت نشسته و دو رکعت ایستاده یا میاورد اما اول دو رکعت ایستاده یا میاورد
 مسأله هفتم شک در میان پنج و شش در حال تمام فرو نشین و بنا و بر چه میگذارد
 و تمام میکند بعد و سجده سهو واجب یا میاورد مسأله این شک و سکنای که در حال
 تمام فرو نشین بعد از تلاوی و قرائت از برای بجز اول الله بجا و از برای تمام بجا و نشین

حکایت
 حرکت مذکور بعد از استقامت
 شک شود و نوبت طویل
 نور و احوط تمام است
 و اعاده هم

مسئله
 عقد استقامت
 در سجده

از رفع

در شكائات

اربع و تكبير بها اگر گفته بودی از برای هر يك دو سجده سهو احتیاطا پنجامیاء و در مسأله
 هر يك از این شكائات اول فكر كن بضم مذکور اگر علم یا مظنه است بجای یعنی بصری نوقت
 انوقت بطریق مذکور عمل کن و الا بعلم یا مظنه عمل کن مسأله نماز احتیاطا چه نشسته
 و چه ایستاده بعد از نیت و تكبير چند تنه یا بخوان هسبه قنوت نذارد و باقی اجزای دیگر تو
 مثل نماز تمام که مسأله هرگاه بعد از محل شك شك کند مثل آنکه در تشهد شك کند
 که شك بعد از سجده نینم شك سهو چنان بود یا آنکه شك سهو چنان بود پنج بود مثلاً بنا بر شك
 حالا گذارد و تلافی در اینجا مسأله هرگاه در رکعت چهارم شك کند که شك بنا
 که دو سه بود بعد از سجده تین بود یا پیش از سجده تین بعد از سجده تین قرار دهد هر
 هرگاه شك کند بعد از نماز که شك موجب برکعت نماز احتیاط بود یا در رکعت ایستاده
 احوط ایستاده هر چه را بجا بیاورد و نماز را هم اعاده کند مسأله هرگاه بعد از سلام
 شك کند که شك سهو شک بوده در رکعت ایستاده نماز احتیاط و در رکعت هم نشسته
 و دو سجده بجا آورد و نماز را اعاده کند بنا بر احتیاط مسأله مضمون شك مساوی
 بودن طرفین است اگر یکطرفه است حاصل شود حکم بقین دارد و نماز بنا بر احوط و احتیاط
 است عمل بان خواه متعلق بفعل باشد یا نوا ان یا متعلق بر کتف باشد یا غیر آن هر
 هرگاه عمل بمظنه کرد بعد از آن شك دیگر عارض شد عمل بشك کند مسأله هرگاه چند
 شك عقب یکدیگر عارض شود شك اخیر را بیکر مثل آنکه ایستاده شك کرد میانه
 سهو چنان بنا گذاشت بر چنان بعد از سجده تین باز شك میانه دو وجهها کرد بنا بر وجهها
 گذاشت بعد از شروع بتشهد شك میانه دو سهو چنان کرد بنا را بر اخیر گذاشت مسأله
 هرگاه شك کند که اینکه عارض شده است شك یا ظن شك قرار دهد مسأله اگر شك
 کند که آنچه پیش عارض شده شك بود یا ظن شك قرار دهد مسأله در جاهایی که
 تلاقی دارد یعنی شك که موجب بطلان نشود اقل تروی کفایت میکند و در غیر اینها تروی
 کند تا از صوت نماز بیرون رود بنا بر احتیاط فصل در سهو یا تات مسأله سهو یا
 تروی یا چیزی از نماز که میشود یا در یاد و بعد خاطر میباشد اگر و کن باشد و

سه
 از برای قیام بجا
 و در سجده ایستاده
 نیت و از برای
 نماز این احتیاط
 نحو است
 نیز

الحار
 ۶
 اگر در سجده از برای
 و نیز در ایستاده
 در هر دو

در سهو و نسیان

داخل رکعت دیگر نشد و برگرد و از اینجا بیاورد و اگر داخل رکعت شدی باطلست و هر چند اگر
غیر رکعت باشد و مجلس باقی است بخوابد و اگر نمازش صحیح است بلی سجده سهو از برای هر چه
سهو که شده است یا زیاد یا از احتیاطا مگر سجده و تشهد که قضایش اول باید خوانده
شود و بعد سجده سهو بکند مسئله سجده سهو بیج موضع واجب میشود کلام بیجا سلام
بیجا و تشهد فراموش شده و سجده فراموش شده و شك چنانچه بعد از سجده سهو مسئله
سجده سهو و بعد از سلام قصد میکنی از برای هر چه که هست میروی بسجده و میگوئی این را
بسم الله و یا الله و صلوات الله علیه و یا محمد سر بر میداری و از امیندیشینی و میگوئی اللهم
ان لا اله الا الله برآید و وحده لا شریک له احتیاطا و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
اللهم صل على محمد و آل محمد السلام علیکم بنی ابی ورحمة الله وبرکاته احتیاطا مسئله
مظنه در نماز حکم عالم دارد و مظنه بعد از نماز حکم شك دارد و اما احتیاط ترک نشود
مسئله هرگاه شخص بعد از نماز سجده سهو را فراموش کرده و وقت بخوابد یا نماز بخوابد
و اگر در نماز باشد بعد از نماز بیاورد و اگر وضو نداشت و وضو سازد و مسئله هرگاه شخص
در بین نماز شك کند که نماز ظهر است شغولت یا عصر ظهر حساب کند مسئله غیر از بیج
موضع که سجده سهو واجب است دیگر زیادتی و کمی سهو در نماز اتفاق افتد سجده سهو
احتیاط است حتی اس السلام یا گفتن بیس و هم چنین زیاد شدن اذکار مستحبی سهو این هرگاه
در حال برخاستن یا بعد از سجده دویم مثلا بخمال بعد از سجده اول گفت استغفر الله و بعد
از نماز و سجده سهو احتیاطا بجا بیاورد و هم چنین هر ذکر مستحبی از اجزاء نماز که سهو اینجا
گفته شود اما در این نقصان که سجده سهو میخواهد احتیاطا از روی سهو است نه عمدی
بسیار از بعد بیجا سر تیز هم بکشد سجده سهو میخواهد اما سلام هر سلامی بکشد و حمد بیجا
هم بکشد و سوره هم بکشد و حتی این بیجا هم بکشد میخواهد و هم چنین است افعال نماز مسئله
هرگاه شخص شکایت و سهو و نسیان و سجده سهو و طینات و منافیات را نداند و هیچک در نماز
اتفاق نیفتد نمازش صحیح است اما احتیاطا لها برا و واجب است و اگر نرسد واجب کند عدا فاسق
است مسئله شك بیان در دو وقت بعد از اكمال سجده نین بنا را بر سهو گذاشت و برخاستن

در هر رکعتی اللهم
صل على محمد و آل
محمد بعد بدل
و صلوات الله
عنه

در هر رکعتی اللهم
صل على محمد و آل
محمد بعد بدل
و صلوات الله
عنه

در هر رکعتی اللهم
صل على محمد و آل
محمد بعد بدل
و صلوات الله
عنه

در هر رکعتی اللهم
صل على محمد و آل
محمد بعد بدل
و صلوات الله
عنه

در سهو و غلطی است

بود که مظنه اش بد و وقت فر نشیند و تشهد بخواند و برخیزد و نماز را تمام کند و از برای
 هر يك از قبول الله و قیام و تسبیح اربع بیجا سجده سهو و احتیاطا بجا آورد مسئله شخص هرگاه
 در رکوع رکعت دوم نماز احتیاطا اینتازه یاد رود و رکعت نشسته خواطرش باشد که اصل
 نمازش سه رکعت بود پس از این نماز بود از دو رکعت شود و مشغول رکعت چهارم شود و نماز
 را تمام کند و بعد احتیاطا نماز را اعاده کند و سجده سهو میخواند مگر بجهت تشهد و سلام
 بیجا و اگر دو قیام باشد می نشیند و رکعت اول را بجای رکعت چهارم میگذارد و هم چنین
 اگر دو رکعت اول در حمد باشد همان حمد نماز اکتفا کند و تمام کند و احتیاطا نماز را اعاده
 کند بعد از سجده سهو و مسئله اگر ملتفت شد که اصل نمازش تمام بود در بین نماز احتیاطا
 خواند قطع کند یا عدول بجهت کند بدو رکعت مثلا و جدا که قضا بر ذمه خود نمیداند در هر
 مقدمه فعلی مثل سر از فر شدن سجده و برخاستن هرگاه زیاد شود سجده سهو میخواند و اگر
 بقصد قرب بیجا او بر سر نهد از مسئله هرگاه شخص بعد از نماز فراموش کرد تشهد
 یا سجده فراموش شده و آنکه قضا کند و منافی بطلان سرزد از او بعد فهمید احتیاطا آنها را
 بجا آورد یا سجده سهو و نمازش را اعاده کند مسئله هرگاه شخص رکعت نماز احتیاطش را
 فراموش کرد بی منافی و نماز بعد از مشغول شدن در بین نماز خواطرش آمد اگر محل عدول باقی
 است عدول میکند بجز احتیاط و الا آن نماز را قطع کند احتیاطا و نماز احتیاط را بجا
 آورد احتیاطا نمازش را اعاده کند مسئله هرگاه شخص در سجده مثل شک دو و سه کرد
 بی التفات سر از سجده برداشت ملتفت شد فکر کند که مظنه اش بطرفی رفت بجا عمل کند
 و الا پیش از آنکه اجناس کند مسئله هرگاه شخص شک کند میانه سهو چهار و حال قیام و پیشین کند
 که یک سجده در همین رکعت نکرده نمازش باطل است مسئله هرگاه شک کرد که باطل است و در
 طرفش احتمال صحیح بودن باشد مثل شک چهار و شش تمام کردن میخواهد قطع کند نماز
 مسئله هرگاه در حال شک منافی نماز فعلی یا ورود عباد و نمازش را اعاده کند نمازش صحیح است
 اما کنه کار است و اگر منتهوا بشود منافی بعضی که باطل باشد نمازش احتیاطا نماز احتیاط را بجا
 آورد و نمازش را اعاده کند مسئله اگر در اجزاء نماز احتیاط خلل برسد مثل اصل نماز

معنی احتیاط

ع

انها احتیاط
 فرستاد

بگویم و قدر بر
 و التمس

اعاده معنی

معنی احتیاط
 و

بدرسه و قیامت

است در بطلان و موجب سجده سبوح بودن مکروه رشک که بنا را بر زیاد تر میکند از دیگر زیاده و نماز
 نشود و الا بنا را بر کم میکند از حد مسلمانی باید نماز احتیاط را بعد از تکبیر حمد تنها استخوانه
 و قنوت و اذان و اقامه نماند و در کوع و سجود و تشهد و سلاطین مثل نماز است مسلمانی هرگاه
 بعد از بنا رشک سلاطین را در بعد از سلاطین تمام نماز را بدون منافی نامتای را تمام کند
 و سجده ها سهوا یا بجا آورد و اگر بفهمد تمام بودن نمازش را نماند و بجز آمد مسلمانی اگر کسی
 بعد از دو رکعت نماز احتیاط که اصل نمازش سه رکعت بوده احتیاطا یک رکعت چهارم را بجا آورد
 و احتیاطا نماز را اعاده کند مسلمانی اگر بعد از نماز بفهمد مطابق بودن نماز احتیاط را با
 اصل نمازش احوط و اولی اعاده نماز است مسلمانی تشهد و سجده فراموش شده مثل تشهد
 و سجده نماز است پس هرگاه در بین تشهد جزئی از آن فراموش شود بعد از آن گفت شود اگر
 منافی عمدی و سهوا سهوا بجا آورد یا بجزء و ما بعدش را اگر منافی سرزده احتیاطا تشهد
 را بجا آورد و نمازش را هم اعاده کند مسلمانی اگر نماز احتیاط و تشهد و سجده سهوا سهوا
 باید بجا آورد و سجده سهوا مؤخر زار و احوط تقدیم رکعت احتیاط است بر تشهد مسلمانی
 اگر تشهد و سجده بود سهوا باشد هر یک را مقدم بوده شدیم از بنا بر احتیاط شدید و اگر بنا
 تقدیم و تاخیر هر یک را احتیاط اینست که تقدیم زاری هر یک را با تاخیر دیگری یعنی تکرار کفی
 نماز را و نماز را اعاده کنی مسلمانی اگر هم چون دانستی که تشهد مقدم بوده ابتدا بان کرد
 و بعد معلوم شد خلاف بوده احوط اینست که اعاده کنی بضمیمه که ترتیب حاصل شود و نماز
 را اعاده کنی مسلمانی اگر موجب سجده سهوا معتد باشد باید سجده را معتد بجا آورد و
 ترتیب در سجده سهوا واجب نیست بضمیمه که موجب آن سر زده و تعیین هم واجب نیست که تعیین
 کنی قصد را برای چپا و پنج یا سلاطین یا سلاطین بلی اگر تعیین کند برای سلاطین و بعد معلوم شود
 از برای کلام شد ترتیب او بوده اعاده کردن آن خالی از قوه نیست چنانچه نیست بعد از
 سلاطین یا بعد از آنرا و منسبه عمدا تاخیر سجده سهوا واجب است که بدون فاصله فعلی بیاورد
 و سلاطین عین شود و خوب سجده سهوا اگر آنها را هم بجا بیاورد یعنی رکعت احتیاط و اجر او منسبه
 را مسلمانی و اگر فراموش کرد سجده سهوا هر وقت که خواطرش بیاید باید بجا آورد و اگر

در سجده سهوا یا بجا آورد و اگر تشهد و سجده فراموش شود و نماز را با احتیاط تمام کند و بعد از آن تشهد و سجده فراموش شود و نماز را با احتیاط تمام کند و بعد از آن تشهد و سجده فراموش شود و نماز را با احتیاط تمام کند

عدم

تاخیر

کتاب فرائض

میشود اگر چه مسافر هم باشد و جاهل بکرم هم باشد و عالم شود قبل از زوال در صورت تجدید
 نیت رمضان میشود و صحیح خواهد بود و هم چنین است نیت و معین و سبب آن مسأله غیر رمضان
 از روز قیامت هر یک که باشد باید تعیین کند بلکه قضا و رمضان و مستحبی را هم مثل ایام البصر
 مثلا یا تعیین کند احتیاطا مسأله اگر صوم غیر معین را مثلا بر یا فاسد کند و قبل از زوال انخوا
 تجدید نیت کند صحیح نیست مسأله محل نیت روزه مند و با قبل از غروب است مسأله اگر صحیح
 کند یوم الشک و با نیت افطار تا قبل از زوال اگر مفطری بجای نیت روزه کند و بعد از
 زوال اگر عالم شود اما کند و خوبا و بعد قضا بگیرد مسأله اگر روزی از رمضان اعضا
 قضا افطار داشته باشد و مفطری بغل بنیاد و قبل از زوال اگر چه نوبه کند فاسد است صوم
 علی الاحوط و اگر در بین روز قضا کند که روزه نمیشود باطل میشود صومش اگر چه کجا کرده
 باشد فساد صوم خود را مسأله اگر قضا کند افطار صوم خود را در زمان بعد باطل بود نش
 خالی از قوت نیست و احتیاطا آنست که روزه را سر رساند و قضایش را بگیرد مسأله اگر قضا
 کند که امساك منکم از جمیع مفطرات مگر از جنابت یا ادرت یا مسأله صحیح نیست روزهاش و کبکی
 روزه واجب بر ذمه دارد و جایز نیست روزه مستحبی بگذرد و هر گاه در موش کرد قضا را مثلا و
 مستحبی را گرفت ضرر ندارد و اگر بعد از ظهر بخاطرش بیاید قطع کند و اگر پیش از ظهر باشد و
 قضا جایز است مسأله و باید دانست که در صوم دیگر عدولی نیست نه واجب بواجب و نه مستحب
 مستحب بر هر یک بد دیگری مسأله چیزهایی که صور باطل میکنند چه چیز است اول و دوم اکل
 شرب منقطع خواه بقسم عادت باشد یا غیر عادت هر چند از راه دماغ وارد خون شود یا راه
 سوزانی دیگر در بدن که دفع جوع یا عطش کند مسأله ابی در دهن یا دماغ کردن یا طعامی
 چیدن یا چیزی در دماغ کردن که مخلوق فرسد ضرر ندارد و احوط قضا و روزه است اگر چه
 احتیاطا و با احتیاط فرود مکرد و مضغه که بجهت وضو نماز واجب باشد مسأله احتیاطا این
 است که اب دماغ را نکشاند مخلوق که فرو برند و اگر بخوردی خود فرود ضرر ندارد مسأله اب
 دهان تا از دهان بیرون نیامده فرو برند ضرر ندارد مسأله خلط سینه و اب دماغ که بقضا
 دهن ادا احتیاطا فرو برند مسأله خون دهان اگر اب دهان مستمک شود فرو برند ضرر ندارد

صحیح است
 احوط تجدید نیت
 قبل از زوال روزه

صحیح است
 نیتی ایام البصر
 صوم بر شرط

صحیح است
 علی الاحوط

در یوم الشک
 هر گاه قبل از ظهر
 دانست که از رمضان
 است و قضا
 در شام کرده است
 در رمضان
 نماید ضرر ندارد
 این قضای از مستحب
 است

صحیح است
 این مسأله در اطلاق
 میل است که است
 غیر است

روزه آمنت ^{عصمتی شکل که صوم نه از روزه ای و نه از روزه ای}

و احوط فرو بردن دست مسکله کردی و دماغ یا چیزی در چشم یا گوش کردن ضرر ندارد سیم
 جماع آمنت اگر چه بیبوی و به حشفه باشد چه فاعل و چه مفعول و لو حیوانا تا مکروهی که آن بقیه
 دارد چهارم نسبت روع دادن از وعده و علم بخدا و پیغمبران و ائمه هدی و اوصیا پیغمبران هم
 حضرت فاطمه بنا بر احتیاط اگر چه بکتاب یا کتابه یا اشاره باشد اگر چه بعد بر کرد و نوبه کند
 و اما اگر از وقتیه باشد ضرر ندارد پنجم فرو بردن تمام سرایت در آب اگر چه آب مضاف هم باشد
 و مفقود هم گرفته باشد بدن بیرون آزار باشد اما در چنین آب بر سر زد آب فتن و لباس
 پوشیدن ضرر ندارد بل بدن در آب نشستن و لباس فرو پوشیدن کراهت دارد ششم در سینه
 غبار بخلق از روعه و اختیار چه از خلل و چه از حرام حتی در وقتا کوه غیره و در غلیظ بلا اشکا
 و در وقتیه بنا بر احتیاط و اگر در خلط سینه غبار غلیظ فرو ناید فرو برد ضرر ندارد و بشرط
 که فرو بردنش بقسم فساد رو داشته باشد هفتم استمناء است پس بقصد خروج منی نظر کردن
 یا بوسه لمس کردن یا قهقی دیگر که منی از او خارج شود فعلش حرام و باعث فضا و کفاره آمنت
 و اگر با حلیله خود باشد و قصد و عادت خروج منی ندارد اتفاقا منی از او خارج شود همین
 فضا روزه را ببرد و اگر بدون آنها منی از او خارج شود مثل آنکه محتمل شده چیزی بر او
 هشتم امانت کرد دست اگر چه بجهت مرض یا ضرورت باشد بلی شیاف ضرر ندارد و احوط نرسد
 آمنت هتربنی کردن سنکه عرفا صدقین کنند از روعه اما بی اختیار ضرر ندارد و اگر چیزی از خلق
 بیرون آورد که صدقین نکند ضرر ندارد و هر باقی ماندن بوجبات است تا صبح صادق
 عمد و روزه منعقد میشود مگر چنانچه منعقد نمیشود روزه فضا شهرد مضا با بقاء بر
 جنابت تا صبح یعنی عمد ایضا و در روزه واجب معین بقاء بوجبات یعنی عمد ضرر ندارد و اما
 واجب غیر معین و مستحبی اتفاقا در اینحال یعنی بقاء بوجبات تا صبح یعنی عمد محل نظر و فاعل
 مسکله روزه متابع کفاره مثل جنابت غیر عمدی یا حیض یا نفاس یا عمد شرعی دیگر
 خورد مسکله هرگاه شخص فراموش کند غسل جنابت یا حیض یا نفاس را و چند روز در
 بگذرد و خواطرش آید صحیح نیست مثل نمازش که قضا دارد و روزه را هم قضا کند و اگر در وقت
 یازدهم روزه فضا بش بگذرد و کفاره ندارد مسکله هرگاه میدانست که وقت بعد غسل

تا بنگاه وصول
 بخلق
 در روز روزه احوط
 و اگر شود

استحباب از روزه
 بکسی که در وقت روزه
 از روزه فضا

صحت غرضها
 در حساب غرضها
 صوم نیز باطل نمیشود

سو
 این اطلاق حق
 در استحباب است
 و اشکال نیز

در عمل و احکام و احتیاطات
ع ۱۰۰

بودند کفاره هم واجب است اما عدل و احتیاط کفاره است اما غیر رمضان باطل است مگر
 صوم مضیق و معین با ملاحظه وقت و احوط تمام کردن روزه و قضا آن است مسئله و هرگاه چیزی
 دهند شخص را بدخول مغز به افطار کند و بعد خلافت ظاهر شود و واجب است برای قضا و اگر خود
 قدرت ملاحظه کردن داشت و نکرد کفاره هم واجب است بنا بر قوی مگر آنکه خبر دهند عدل یا
 عدلین باشند هر چند جاهل باشد بانکه تقلید غیر نمیتوان کرد در دخول وقت و خروج آن و
 ظاهر فرق نیست میان رمضان و غیر آن مثلند در معین مسئله اما بوسید و لمس زنها که شسته
 بچرکشانند که عادت انزال نداشته باشد و سر در چشم کشید و امثال آن اگر چه طعم آن بجای نماند
 و مسدود کردن خون که باعث ضعف شود بشرط آنکه نداند که باعث بیوشی میشود همه آنها مگر
 است مسئله داخل تمام شدن که خوف ضعیفی داشته باشد و در چنین چیزی در دماغ که بجای نماند
 و بوییدن دریاچین خصوص ترکس مکر و هست برای روزه دار و اما بوییدن کلنا و استعمال
 بوی خوش و کلاب ضرر ندارد بلکه مستحب است مسئله شرط صحت روزه بلوغ است و عقل و انسا
 عتبری بودن و خالی بودن از حیض و نفاس و مسافر نبودن مگر بعضی روزها که مستثنی است
 سفر مسئله فزده که نذر کند که در سفر و حضر بکشد و دیگر خالی بودن از مرض مسئله اگر مرض
 عارض شود و مظنه ضرر بماند افطار کند و اگر خوف ضرر باشد احتیاطا روزه را بکشد و
 قضایش را هم بکشد و اگر خوف ضرر نباشد افطار نکند مسئله مرد پیر و زن پیر و العطار
 که نمیتوانند با خود باز بگردند اگر روزه برایشان شاق باشد افطار کنند و از برای هر روز یک
 طعام کفاره بگیری دهند و بعد نافذ است قضایش را بگردند و هم چنین زن حامله نزدیک به
 وضعش و زن شیرده که بترسند بمرض طفل بشرط آنکه دیگری مرتکب بشود دادن طفل نشود
 افطار کند و از برای هر روز یک طعام کفاره بدهند از مال خود مسئله هرگاه طفل پیش از
 صبح بالغ شود و کافر مسلم شود و روزه کند و عذر ندارد بیکر هرگاه تا پیش از ظهر بوطر نشود
 و مقطری بجا نیاید و روزه باشد و روزه کند غیر از حایض و فضا و آلا که مقطری بجا آورد
 باشند قضایش بکشد مسئله هرگاه مریض روزه در رمضان خورد و مرضش منصل ماند تا رمضان
 دیگر از برای هر روز یک طعام کفاره بدهد و قضا سابق است و احوط قضا گرفتن است اما

ح
 بیدن آنکه چیزی
 از آن بجای نماند
 میرزا
 م
 بلوغ شرط صحت
 نیست میرزا

ع ۱۰۰
 این احکام ترک
 نشود

برگاه چندین افطار کردید و قضا کردید کفره بجهت سال اول کفایت نمیکند بلکه برای کفاره لازم است سه و پاره هفتاد یک سال
 کفره و زکات

عذری دیگر مثل سفر چینی نیست قضا بکند و او را کفاره دادند مسلمان اگر در بین من
 ببرد قضا بروی نیست بلی قضا بی که پدر و مادر و پدرت بگویند داشتند و پسر بزرگتر است
 عالم باشد واجب است بکند مثل نماز شان و هرگاه وصیت کنند یا بر غایبی یا او را از او
 ساقط میشود مسئله هرگاه قضا در رمضان است یا در غیره باشد و غیری بجای او از او ساقط
 میشود مسئله هرگاه قضا در رمضان است یا در غیره شخص باشد یا قدرتی بزرگتر فن و قصد گرفتن نداشته
 باشد تا از قضا دیگر غایب و کنه کار است و واجب است از برای هر روزه یکدست طعام بپذیرد و
 بعد قضایش را هم بگیرد و هرگاه چند سال چنین بگذرد همان کفاره سال اول کفایه میکند
 مسئله صومها واجب صوم رمضان و صوم قضا و ان و صوم سیم اعتکاف و کفاره ده روزید
 شدی در حج تمتع و هجده روز بدل بدنه و نذر و عمد و بین مسئله صوم حرام صوم عید
 است عید قربان را از ده روز و از هر روز و سینه هر ماه ذی الحجه از برای که در منی باشند و
 وصال که در روز مثل متصل بگیرد و صوم است که قصد کند هیچ تکلم نکند در بین روز مر
 صوم مکروه صوم سجی ولد است بادن بد و همان بی اذن بقا دار بلکه میزبان بی اذن همان
 و هم ذی الحجه که مشبه باشد بعید یا ضعف غالب باشد که از ارضیه باز ماند و کسی که روز
 مستحی که فیه باشد و او را اطعام کنند بطعامی و خورد و زن بی اذن شوهر روزه مستحی
 بگیرد اگر حرام نباشد و غیر از اینها از سایر روزها مستح است مسئله علامت دخول ماه
 رمضان یا غیره دیدن هلال است و شهادت عدلین بر رؤیت است و شیاع است و آنرا که با عی
 حصول علم شود بلکه هر قسمی که علم حاصل شود و دیگر حکم حاکم است بیبوت هلال فردا و هرگاه
 معلوم شود خطا او و اما غیر از او مذکوره و الاعتباری نیست فصل در زکوة فطره
 مسئله واجب است فطره بر کسی که بالغ و عاقل و باهوش و آزاد و غنی باشد از خودش و از هر که
 عیال فقیر خوار او باشد پیش از غروب بعید یا همها شود کسی او را یا طفلی او را
 شود یا عیبک و مالک شود یا اعذار مذکوره اگر باشد بر طرف شود پیش از غروب اگر چه
 لحظه باشد خلاصه مطلب این است که در وقت مغرب یا مؤرمذ کوزه موجود باشد یا بر طرف
 شده باشد معتبر است نه بعد از مغرب و قدان یکصاع است که ششصد چهارده مثقال

دو غیر صوم که فیه باشد
 در سفر بقدرت کفاره
 تضاد در آن معتبر نیست
 برین
 و بصیئت هم عمل
 شود میرزا

بند اعتقاد فقه
 جز صوم در این بین
 حکم است و اول بیان
 حکم است و غیره
 حکم است و غیره
 حکم است و غیره

در صد عیلوله بلکه
 و الا احوط است که
 مرد و بدینند
 برین
 درج

در فطره امت

در ربع شفال صیرف است که بمن بوژن شاه جدید الایست پنجفقال صیرف و سه ربع امت م
 مرنگ اوقیال محض که خرج ایشان با غیر یا با خود او باشد از وقت غروب فطرشان با غیر یا با خودشان
 است و همچنین است اگر بعد از غروب همان یا عیال شخص شوند بلکه هرگاه جبراً همان شوند اگر
 چه قبل از غروب باشد فطرشان یا خودشان است مسلم کافر هرگاه پیش از غروب عید مسلم
 شود واجب است که فطره خود و عیال خود را بدهد اگر چه در حال کفرش هم واجب بود بر او و اگر
 صحیح بود از او مسلم را اجناس زکوة اختیار کردن و جو و مویز و خرما احوط است بلکه هر
 انفع باشد برای فقیر سنت است قیمت هم کفایت میکند خصوصاً اگر انفع باشد بحال فقیر که آن از حج
 است یا طلا و پول سیاقیمت جاسر دادن هم خوب است و اولی نقره یا طلا است مسلم را عیال و قیمت
 در وقت بیرون کردن است یا زار و معتبر بگذرد زکوة است نه وطن خود و عیال هر جا که خواست
 باشد فرقی ندارد و اولی دادن با فادری خویشان خود است بعد هسنا میکان و بعد با قبل علم
 و فضل مسلم و باید فاشی نباشد گیرنده آن مگر آنکه دهند هاشمی باشد و واجب التفقه
 نامند گیرنده آن و با قبل بگذارد آن ناکید دارد مسلم و بهر یک نفر فقیر بکسر میباید داد مگر
 آنکه فقر بسیار باشد که کفایتشان نکند و بیک نفر میتوان داد آنقدر که غنی شود و عدالت
 شرط نیست اگر چه با طاعت و با اطفال مؤمنین هم میتوان داد بقسمی که صرف خودشان شود
 اگر چه بسیارشان شود مسلم فطره و انبرد فقیر جامع الشرائط که امین باشد بپردازند اولی است
 مسلم بفرز و فتاب و ذلخر و مضاً واجب میشود بر شخص و اولی جدا کردن است و شب عید و
 افضل پس انداختن است تا پیش از نماز عید مسلم و اگر پس از آن فطره را تا بعد از نماز عید
 باید بقصد قربت اثر بدهد نه اداء و نه قضاء بنا بر احتیاط بصدق حساب شود مسلم واجب
 است جدا کردن زکوة پیش از نماز عید و رسانیدن آنرا با هلس مگر آنکه عذر بی باشد یا فقیر
 حاضر نباشد که در اینصورت تاخیر ضرر ندارد فصل در زکوة مال است مسلم زکوة در نه
 چیز واجب است طلا و نقره مسکوک سبکه معامله و کا و کو سفند و شر که در نما سال خرید یا
 در علف صحرا و کارکن و بارکش نباشند و کسند و جو و مویز و خرما که پیش از صد اسم مالک میکند
 و حد مضایب هم باشند که صد چهل و چهل من جزئی که است سبک شاه شازده عباسی پیش از

بسیار از اینها است از اینها است
 سنگین و بیرون اگر چه در وقت عید است
 بخیرین زمانهاست از آنکه فقیران را
 حله و حق و حجتا و در وقت عید
 هر اهل آن میخواهند با عیال خود

در زکوة امت

داخل در سال سر شده باشند در ما بین چیزی بران نیستن این شرفها که میدهند باید همه ماده
 باشند مسئله نصاب کا و در نصاب امت اول بی کا و دو و بی هر چهل کا و و زکوة بی کا و بی کا و بی کا
 ساله بدهند چه نریا شد چه ماده و در چهل کا و بی کا و ماده بدهند که داخل در سال سر شده باشد
فصل در خمس امت مسئله بدانکه آنچه خمس بران تقاضا میکند و واجب است هفت چیز است اول مال که
 حقی که مسئله بدست آورد دویم معادن استیم گنج در زمین است چهارم چیزهایی است که از دریا بیرون
 میاوردند یا غیره که از رود دریا میگردند پنجم آبیاح مکاسب است ششم زمین است که کافر در آن زمین
 بخرد هفتم مال حلالی است که مخلوط بمال حرام شده باشد مسئله در خمس عبارت است از پنج یک مال که
 باید داد نصف آن بجهت جامع الشرائط یا وکیلان باید برسد یا باذن او باید داد و نصف دیگر از راه
 فقا و ایام و ابن السبیل سادات که از طرف پدی یا از طرف پدی و مادری سید باشند نه طرفی
 نه ماسئل اگر سید غنی باشد و خمس باو بدهی کفایت نمیکند مسئله شخصی خمس مال مخلوط بخرد
 سهوا یا بفقره غیر سید داد مخلوط بلکه اقوی عاده است سید و اگر زیاد تر از خمس حرام در مال خود
 زیاد تر فقرا صدق بدهد مسئله هرگاه خانه یا محلی را با فقره شد اگر چه از آبیاح مکاسب هم
 خریده باشد که در راه غیر صرف کند یا خانه دیگر بخرد یا ملک بخرد یا سفرایه خود قرار بدهد یا
 خود را بر بچایک قرار دهد و خمس خمس نداد مسئله اما سید نمیتواند مبلغ کلی خمس بجزئی بدهد
 کند مگر آنکه بین مصلحه کند بشرط آنکه قبض و مصالحه اش بضم صحیح واقع شود و هم چنین است
مقاله مسئله بحول المالك و لفظه که ما بوس از مال اکثر بک بی ادن چند بقیتر میتوان داد مثل
 در مظالم اما احتیاطا با اذن بجهت بامند جمیع مسائل مال مصلحه شده که بطریق کتاب باشد
 یا بجهت باشد ولو معوضه خمس نداد مسئله مال خمس داده شده که مخلوط شده با آبیاح مکاسب
 همانند از مالش جدا میکند و باقی خمس را میدهد مسئله هرگاه خمس مال را ببرد مگر در وقت
 مال کند مرخص نیست مگر باذن بجهت مسئله عین خمس داده را هرگاه صرف مؤنه خود کرد بجهت
 زاده ها انسال پیدا کرد احتیاطا خمس را بدهد مسئله مشای از آن خمس فقرا و سادات و ایام
 و ابن السبیل سادات فرزندند بلکه تمام را بجز یک میتوان داد مسئله فرض سابق را از پنج
 اینسال میتوان داد پیش از آبیاح خمس مسئله هرگاه شخص تمام امام را از خمس بی اذن بجهت بسازد

عنه عاری
 حکم مالیکه در عاری
 بدون اذن امام
 اخذ کند حرام است
 امام ۲۳

فوق

در هر روز
 شود

در هر روز

در تعیین حقوق

سادات و فقرا
 بجهت اشکالت

در مصالحه
 تا اقل است

یعنی بطریق
 از زمین

میراث

در خمس امانت

داد و بانه بدهند بجهت علی الاحوط الاثر مستلزم هرگاه شخص پیش از وفات که فتن خمس و مال
 چیزی بسا امانت فقیر بدهند بعنوان فرض و وکیل شود که هر وقت خمس با و تعلق میکند یا در جانب
 ایشان بود از ضرر ندارد بشرط آنکه بر استحقاق باقی باشد مستلزم شخصی در زنجی نشانند بر
 تجارت یا امر معاش هر ساله نموی که میکند بعد از وضع مؤنه خمس را بدوند مستلزم هرگاه شخص
 خمس بزرگترش بود نداد فقیر شد کم که بدستش که میاید با و لا خود که سید و فقیر باشند بدهند
 ضرر ندارد و احتیاط باذن بجهت با باشد مستلزم هرگاه شخص بعد از سالش از ارباب مکاتب
 یا بجهت خان یا فریش یا ظرف و ما یحتاج دیگرش ذخیره کرده خمس را بدهند بنا بر احتیاط مستلزم
 هرگاه طلبه دارد که بعد از سال وصول میشود هر وقت که وصول میشود خمس را بدهند مستلزم
 خمس سهم امام بجهت غیر اعلم که جامع شرایط باشد میتوان داد مستلزم هرگاه از شخصی طلب دارند
 و فقیر شد جایز است که در مظالم حسابش کند احوط آنست که آنچه را بجهت رد مظالم با و بدهند
 او رد کند فرا با از ای قرصش و او تکرار و هم چنین امانت خمس یا سا امان و عدالت شرط نیست بجهت
 که در مظالم یا خمس با و میدهند مستلزم شخص وصیت کرد که بعد از از او دینم هر چه از مال ماند
 خمس را بدهند اعتبار بان سالی است که خمس بران تعلق میکند نه غیران مستلزم هرگاه شخص در
 بین سالش و چو سپید کرد و میداند تا سال بعد از مؤنه سالش زیاد میاید بجهت امانت که خمس را
 بدهند یا صبر کند تا سال شود مستلزم هرگاه شخص در بین سال از ارباب مکاتبش اسراف خرج
 کند باید خمس را بدهد و اگر بخود تنگ بکند یا حوط آفیند که خمس را هم بدهند مستلزم سید
 هرگاه فقیر باشد و سهم بنفس خود کند بجهتی که ضرر بر او نشود و اظمار فقر خود نکند جایز است
 هرگاه مثلا بیج روز مانده بیان شخصی درج مکاتبش را بجهت بقصد ندادن خمس خوب نیست
 و از کردنش ساقط میشود خمس آن مگر آنکه صرف مؤنه خود کند خاتم در ادا و سن امانت
 ادا بجهت سنت است که در وقت داخل شدن بای چپ را پیش گذارد و در پیرون آمدن بای
 را و سنت است بسم الله گفتن و سر پوشیدن و استبرار و دعا خواندن نزد استنجاء مستلزم مکرر
 امانت تجلی کردن در جادهها و محل ارب برداشتن و محل افتادن میوهها و قافله انداز و در خانهها و
 و بافتن ماه و در بیاد پول کردن و در زمین صلب و در سوراخ حیوانات و در اینچنین

یا بازن بجهت
 عه امر را بجهت کند
 تا حال رای فرد
 کند حج

این احتیاط از آنست
 نشود چیزی را
 اگر از ارباب
 باذن مالک
 احوط آنست
 تمام باقی امانت
 را بدهند اگر چه
 بزرگ که بجمع مالش
 خمس تعلق گرفته
 باشد چیزی را
 این احتیاط از آنست
 نشود چیزی را